



عنوان:

بررسی رابطه سبک های یادگیری با موفقیت تحصیلی دانشجویان مقطع کارورزی

پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۴

A survey on the relationship between learning styles and academic achievement
Among Medical Internship Students in the Mashhad University of Medical Sciences in
2015

نویسندگان:

سید مسعود حسینی - مربی - گروه آموزش پزشکی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

hoseinim@mums.ac.ir.

احسان صاحبی - کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

Sahebie1@mums.ac.ir

علی عماد زاده - استادیار - گروه آموزش پزشکی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

emadzadea@mums.ac.ir.

فاطمه شعبانی - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - دانشگاه پیام نور - sabz14@gmail.com

بررسی رابطه سبک های یادگیری با موفقیت تحصیلی دانشجویان مقطع کارورزی پزشکی

عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۴

چکیده

در طی چند دهه اخیر توجه به مفهوم تفاوت‌های فردی در یادگیرندگان و از آن جمله اهمیت سبک یادگیری همواره از موضوعاتی بوده که محل بحث‌های فراوانی بوده است. با توجه به ویژگی‌های مقطع بالینی در آموزش پزشکی عمومی یعنی از یک سو تقویت مهارت‌های حل مسئله بالینی و از سوی تعامل و ارتباط نزدیک دانشجویان با افراد دیگر نظیر بیماران، اساتید و کارکنان خدمات بهداشتی درمانی به نظر می‌رسد یادگیرندگان نیازمند به کارگیری شیوه‌های گوناگونی در یادگیری باشند که شاید با مقاطع قبلی متفاوت باشد. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه سبک یادگیری بر اساس نظریه کلب با موفقیت تحصیلی در دانشجویان پزشکی عمومی مقطع بالینی دانشکده پزشکی در سال ۱۳۹۴ می‌باشد. در این مطالعه مقطعی توصیفی-تحلیلی، ۷۰ نفر از دانشجویان دانشکده پزشکی مشهد که آزمون جامع علوم پایه و جامع پره انترنی را گذرانده بودند به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه‌ی سبک‌های یادگیری کلب (نسخه ۳/۱) مورد ارزیابی قرار گرفتند. بعلاوه، متغیرهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی دانشجویان نیز مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و نیز آزمون‌های کای دو و آنالیز واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج پژوهش حاکی از این است که بیشتر افراد مورد پژوهش زن (۶۰ درصد) بودند و نیز سبک یادگیری غالب دانشجویان علوم پزشکی در مقطع بالینی، سبک همگرا (۳۷ درصد) بوده است. همچنین یافته‌ها نشان داد بین سبک یادگیری با معدل نمره کارآموزی دانشجویان ($P=0/372$)، نمره آزمون جامع علوم پایه ($P=0/287$) و نمره آزمون پره انترنی پزشکی ($P=0/029$) رابطه معنی داری وجود ندارد اگر چه دانشجویان دارای سبک یادگیری واگرا نمره‌های بالاتری کسب کرده بودند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که سبک یادگیری به تنهایی عامل پیش بینی کننده موفقیت دانشجویان در مقطع بالینی نیست بلکه احتمالاً عوامل دیگری در این زمینه دخیل است. با توجه به اینکه سبک یادگیری غالب دانشجویان، سبک همگرا بوده است، پیشنهاد می‌شود اساتید دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی فراهم کننده محیط یادگیری متناسب با این سبک یادگیری از جمله فعالیت‌های آزمایشگاهی و شبیه سازی و واداشتن دانشجو به تفکر بیشتر باشند تا یادگیری دانشجویان تسهیل شود.

واژه های کلیدی: : سبک های یادگیری - پیشرفت تحصیلی - دانشجویان پزشکی - مقطع کارورزی



A survey on the relationship between learning styles and academic achievement

Among Medical Internship Students in the Mashhad University of Medical Sciences in 2015

In recent decades, the concept of individual differences in learning styles of learners, including the importance of the issue that has always been a place of great debate. Due to the characteristics of the clinical course in Basic Medical Education, This means that on the one hand strengthen clinical problem-solving skills, On the other hand closer ties with other people, such as patients, students, teachers and health care workers, It seems that learners need to use a variety of learning styles that might be different from the previous sections. The present study sought to determine the relationship between learning styles and academic achievement among Medical Internship Students in the Mashhad University of Medical Sciences in 2015 .In this cross-sectional study, 70 students of Mashhad University of Medical Sciences, who had passed the exam and comprehensive pre-internship, were selected randomly, and Kolb's learning styles were evaluated using a questionnaire (Version 1/3); In addition, related variables were with examined students' progress. Data using descriptive statistics and chi-square test and ANOVA were analyzed.

Research indicates that most of the subjects were female (60 percent); Also dominant learning styles of medical students in clinical stage, was convergent style (37 percent). Results Also showed that between learning style with the average score of students' ($p=0/372$), the basic science exams ($p=0/287$) Pre-test scores medical internship ($p=0/029$) There was no significant relationship; However, students with higher scores had divergent learning styles. The findings of this study showed that learning style alone is not a predictor of student success in the clinical stages but probably other factors involved in this regard. Given that the dominant learning styles of students, have been converging light, It is suggested professors of the Faculty of Medical Sciences provides a learning environment suited to this style of learning: Such as laboratory activities and simulations and forcing students to think more, to facilitate student learning.

Key Words: Learning Style, Educational Achievement, Medical Students, Internship

مقدمه

یکی از کامل‌ترین، شگفت‌انگیزترین، پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین ویژگی شناختی رفتار انسان یادگیری است و ماهیت این مفهوم از دیرباز مورد توجه مکاتب مختلف روانشناسی بوده است.

تمامی انسان‌ها توانایی یادگیری دارند، اما میزان و نحوه‌ی یادگیری آن‌ها حتی در موقعیت‌های یکسان متفاوت است، شاید از مهم‌ترین دلایل آن روش‌های متفاوت یادگیری باشد. طی چند دهه‌ی اخیر تحقیقات متعددی در زمینه تفاوت‌های فردی در شیوه‌های یادگیری صورت گرفته است. موری - هاروی (۱۹۹۴)، ضمن تأکید بر تفاوت‌های فردی در سبک‌های یادگیری مطرح نموده‌اند که وجود الگوهای مختلف یادگیری در میان فراگیران منجر به پیچیده‌تر شدن ساختار مفهومی فرایند پردازش اطلاعات شده است (Saif D, 2007).

نظریه یادگیری تجربی کلب از جمله نظریه‌هایی است که سعی در تبیین ویژگی‌های فردی یادگیرندگان و نحوه رویکرد آنان نسبت به موضوعات و تکالیف یادگیری دارد.

هر چند مفهوم سبک‌های یادگیری به شیوه‌های مختلف تعریف شده است؛ اما اکثر تعاریف ارائه شده، بر این تأکید ورزیده‌اند که سبک‌های یادگیری شامل باورها و اولویت‌ها و شیوه‌هایی از رفتار می‌باشد که افراد در موقعیت‌های معین در جهت یادگیری بهتر به کار می‌گیرند (Berg, 2015).

سبک‌های یادگیری دارای انواع گوناگون هستند یک نوع از دسته بندی سبک‌های یادگیری به وسیله دیوید کلب (۱۹۸۴، ۱۹۸۵) انجام گرفته است. این دسته بندی براساس یک چرخه ی چهار مرحله ای، به نام چرخه یادگیری تجربه ای بنا نهاده شده که از نظریه ی یادگیری او استخراج گردیده است. (Light G, 2002) نظریه ی کلب در رابطه با الگو یا چرخه تعریف می شود که ابتدا تجربه ی عینی فوری اساس مشاهده وتفکر(تامل) را می سازد. بعد این مشاهده وتامل به

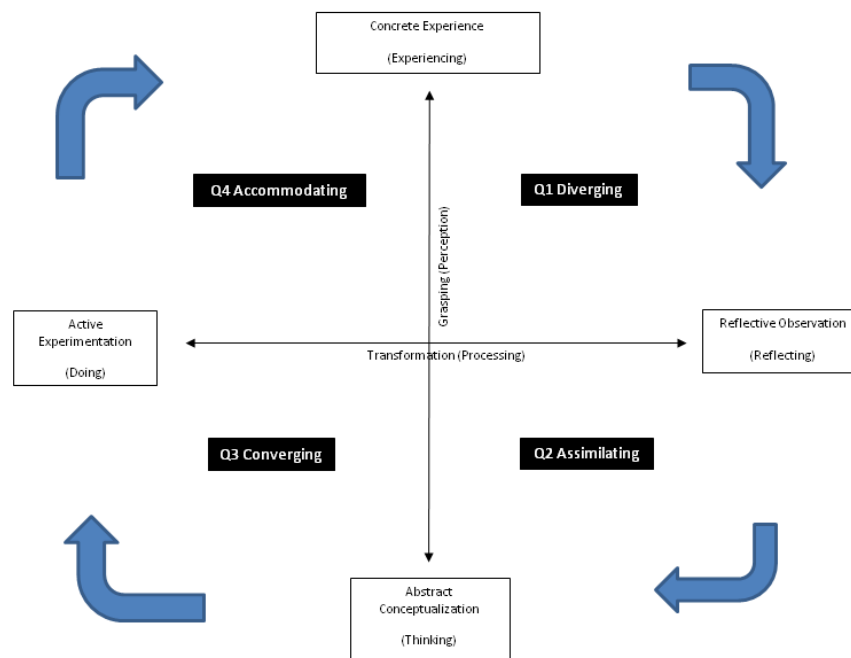
¹- Murray_ Hrvey

^۲- David kolb

صورت مفاهیم و تعمیم‌ها (نظریه‌های انتزاعی) در می‌آیند. سپس از این انتزاعیات می‌توان رهنمودهایی را استخراج کرد. این رهنمودها را می‌توان به عنوان فرضیه‌هایی تصور کرد که اعمال را هدایت می‌کنند و می‌توان آن‌ها را در موقعیت‌های عینی تازه آزمون کرد و در نتیجه تجربه‌های عینی جدیدی به دست آورد. این چرخه همچنان می‌تواند ادامه یابد (Lee-Davies L, 2007).

در پژوهش حاضر از الگوی چهار وجهی کلب استفاده شده است. نظریه یادگیری تجربه‌ای کلب نتیجه ترکیب سه الگو از فرایند یادگیری تجربه‌ای است. الگوی تحقیق عملی و آزمایشگاهی لوین، الگوی یادگیری دیویی، الگوی یادگیری رشد شناختی پیاژه.

هر یک از این سه الگو تعارض‌های بین‌روشی‌های گوناگون مقابله و تعامل با جهان را توصیف می‌کنند و نشان می‌دهند که یادگیری نتیجه حل این تعارضات است.



شکل شماره ۱: چرخه یادگیری بر اساس نظریه کلب

در مورد سبک یادگیری و رابطه آن با موفقیت تحصیلی دانشجویان، تحقیقات متعددی انجام شده است اما نکته مهم این است که بیشتر تحقیقات انجام شده در کشور ما بر اساس نظریه کلب، سبک یادگیری غالب را در دانشجویان پزشکی بدون توجه به مقطعی که در آن بوده‌اند (علوم پایه یا بالینی)، از نوع جذب‌کننده یا همگرا گزارش کرده‌اند. فریدون عزیز و همکاران در « بررسی سبک‌های یادگیری بر اساس نظریه کلب در دانشجویان پزشکی قزوین در سال ۱۳۸۰ » بیان داشتند که

اکثریت واحد های مورد پژوهش به دو سبک یادگیری جذب کننده و همگرا گرایش داشتند. و به نظر میرسد سبک یادگیری افراد تحت تاثیر محیط و وظایف یادگیری باشد گویا اینکه اثبات این امر نیازمند تحقیقات بیشتر میباشد. در این پژوهش صرفا به بررسی سبک یادگیری دانشجویان پرداخته و بنابراین رابطه آن را با عوامل دیگر در نظر نگرفته است. (Azizi F, 2002)

لرگانی و سیف (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان مقایسه سبک های یادگیری دانشجویان با توجه به جنسیت، مقاطع تحصیلی و رشته تحصیلی با استفاده از پرسشنامه سبک های یادگیری کلب به این نتیجه رسیدند که بین سبک های یادگیری دانشجویان سه رشته ی مختلف، از لحاظ آماری، تفاوت معناداری به این شرح وجود دارد که دانشجویان رشته علوم انسانی اکثرا دارای سبک یادگیری انطباق یابنده، دانشجویان علوم پزشکی عموما دارای سبک یادگیری جذب کننده و دانشجویان رشته ی فنی و مهندسی غالبا دارای سبک یادگیری واگرا هستند. در این مطالعه به بررسی تفاوت های گروههای مختلف همچون جنسیت و دانشکده در سبک یادگیری پرداخته و به سایر عوامل توجهی نشده است. (HoseiniLorgani M, 2001)

با این حال طی جستجوهای انجام شده پژوهشی که به بررسی سبک یادگیری دانشجویان پزشکی عمومی و رابطه آن با موفقیت تحصیلی آنان در مقطع بالینی در کشور ما پرداخته باشد، مشاهده نشد. با توجه به اینکه مقطع بالینی در آموزش پزشکی عمومی ویژگی های خاص خود را دارد یعنی از یک سو به دنبال تقویت مهارتهای حل مسئله بالینی است و از سوی دانشجویان در تعامل و ارتباط نزدیک با افراد دیگر نظیر بیماران، اساتید و کارکنان خدمات بهداشتی درمانی قرار دارند، لذا نیازمند به کارگیری مهارتهای گوناگونی در یادگیرنده است که شاید با مقاطع قبلی متفاوت باشد. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه متغیر سبک یادگیری با موفقیت تحصیلی در دانشجویان پزشکی عمومی مقطع بالینی دانشکده پزشکی در سال ۱۳۹۴ می باشد.

مواد و روش ها

جامعه ی آماری پژوهش حاضر، عبارت بود از کلیه ی دانشجویان پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. بر اساس آمار مدیریت آموزشی دانشگاه، تعداد کل این افراد، 270 نفر بود. که تعدادی در مرخصی بودند و تعدادی نیز مهمان بودند که از جامعه حذف شدند و ۲۲۲ باقی ماندند. نمونه گیری به روش تصادفی ساده انجام شد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برآورد شد. نمونه آماری در این پژوهش برای دانشجویان براساس فرمول کوکران ۷۰ نفر به دست آمد.

با توجه به محدودیت زمانی انجام پژوهش توسط پژوهشگر، فقط دانشجویان بالینی در چهار بخش مازور شامل داخلی، زنان، جراحی و کودکان انتخاب شدند که با توجه به چرخشی بودن دانشجویان در بخش های بالینی خللی به پژوهش وارد نمی کند.

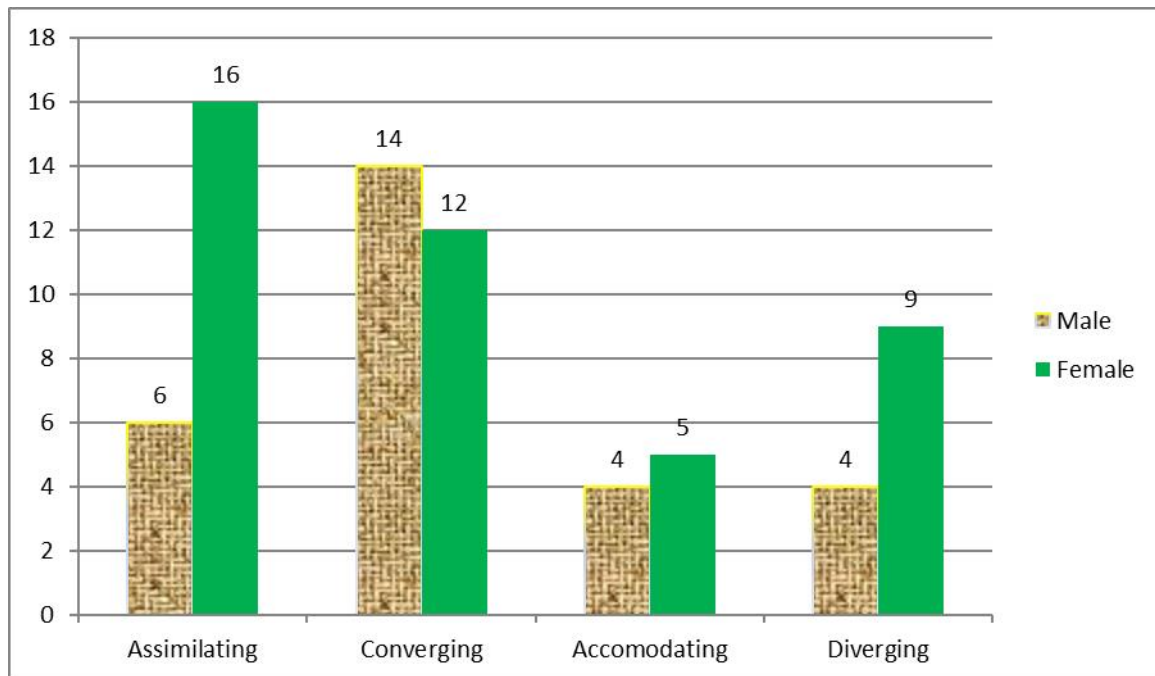
برای اجرای پرسشنامه یادگیری کلب، با در اختیار داشتن لیست دانشجویان مقطع بالینی، قرعه کشی انجام شد و اسامی نمونه ها مشخص گردید و سپس پژوهشگر در روزهای معین با هماهنگی دانشکده و مدیر گروه ها به دانشجویان مراجعه کرده، پس از دادن توضیحات لازم در زمینه ی چگونگی پاسخ دادن به سؤالات، پرسشنامه در اختیار آن ها قرار گرفت. در مرحله ی بعد راهنمای پرسشنامه برای آن ها خوانده شد و به این نکته تأکید گردید که برای هر سوال ۴ گزینه وجود دارد که شخص با توجه به علاقه و نگرش خود بین گزینه های ارائه شده به ترتیب اهمیت، رتبه بندی از ۴ تا ۱ انجام می دهد و در نهایت با استفاده از معیار و نمودار مربوطه، نمره کلی گرایش فرد به هر یک از شیوه های یادگیری و متعاقب آن سبک یادگیری شخص معین می شود. پس از تکمیل پرسشنامه در هنگام جمع آوری، پرسشنامه ی هر فرد کد گذاری شد، تا هنگام ثبت داده ها مشکلی پیش نیاید.

روایی ابزار پژوهش، به روش روایی محتوایی و تطابق متن انگلیسی نسخه اصلی با ترجمه فارسی با کمک افراد صاحب نظر مورد بررسی قرار گرفت. ضمن آن که روایی آن قبلا در چند پژوهش مشابه و با حضور برخی اعضا تیم پژوهش نیز مورد بررسی و تایید قرار گرفته بود. پایایی ابزار پژوهش نیز به روش دو نیمه کردن تعیین شد که در حد قابل قبول بود. پایایی نسخه فارسی این ابزار در پژوهش سیف و حسینی لرگانی و پژوهش سرچمی و حسینی نیز در حد قابل قبول گزارش شده بود. به منظور دسترسی به متغیرهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی دانشجویان شامل نمرات علوم پایه و امتحان پره انترنی و نیز معدل دوره کارآموزی استاژری، با اخذ رضایت ایشان، از بایگانی و بانک اطلاعات اداره آموزش دانشکده کمک گرفته شد و در مقیاس ۲۰ معادل سازی شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS 16 و روشهای آمار توصیفی برای محاسبه شاخص مرکزی، پراکندگی، میانگین، انحراف معیار و جداول برای توصیف جمعیت شناسی نمونه و از آمار استنباطی برای پیش بینی متغیرها از تحلیل رگرسیون، برای بررسی تفاوتها از آزمون های تحلیل واریانس (آنوا) و تی استفاده شد.

یافته ها

۴۰ درصد مشارکت کنندگان مرد و ۶۰ درصد آنان زن بودند. میانگین نمره در نمره کارآموزی برابر با ۱۶/۸۴ و در نمره آزمون جامع علوم پایه برابر با ۱۳/۶۲ و در نمره پره انترنی برابر با ۱۲/۷۳ بود. تعداد ۱۳ نفر (۱۸/۵ درصد) از کل دانشجویان از سبک یادگیری واگرا، ۹ نفر (۱۳ درصد) از سبک یادگیری انطباق شونده، ۲۶ نفر (۳۷ درصد) از سبک مفهوم همگرا، و ۲۲

نفر (۳۱/۵ درصد) از سبک یادگیری جذب کننده برخوردار بوده اند، بنابراین سبک یادگیری غالب برای دانشجویان علوم پزشکی مقطع بالینی سبک همگرا است.



شکل شماره ۲: توزیع فراوانی سبک های یادگیری افراد مورد پژوهش با توجه به جنسیت بر حسب تعداد

نتایج نشان داد که بین دانشجویان دارای سبک های یادگیری مختلف از لحاظ ترکیب خطی سه متغیرنمره کارآموزی، نمره آزمون جامع علوم پایه و نمره پره انترنیتفاوت معنی داری وجود ندارد ($p = 0.089$ = پیلائی تریس، $p > 0.05$ ، $F(9, 198) = 0.66$). نتایج تحلیل واریانس یک طرفه (one way ANOVA) نشان می دهد که بین موفقیت تحصیلی و سبک های یادگیری تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p > 0.05$). بنابراین بین موفقیت تحصیلی و سبک های یادگیری رابطه معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر کسانی که از سبک های یادگیری مختلف برخوردارند، از موفقیت تحصیلی یکسانی برخوردار هستند و از لحاظ موفقیت تحصیلی بین آنان تفاوتی وجود ندارد.

جدول شماره ۱: ارتباط سبک های یادگیری و متغیرهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی

نمره پره انترنی	نمره آزمون جامع علوم پایه	نمره کارآموزی	سبک یادگیری
میانگین	میانگین	میانگین	
۱۳/۳۷ ± ۱/۷۱	۱۴/۲۹ ± ۲/۰۴	۱۷/۲۴ ± ۰/۷۴	واگرا
۱۲/۹۹ ± ۱/۳	۱۳/۸۳ ± ۱/۸	۱۶/۸۰ ± ۰/۵۱	انطباق شونده
۱۲/۷۵ ± ۱/۶۷	۱۳/۵۳ ± ۱/۳۲	۱۶/۹۳ ± ۰/۸۷	همگرا
۱۲/۳۵ ± ۱/۵۹	۱۳/۲۵ ± ۱/۳۵	۱۶/۷۴ ± ۰/۹۳	جذب کننده
P = ۰/۲۹	P = ۰/۲۸۷	p = ۰/۳۷۲	P Value (p > ۰/۰۵)

نتایج همچنین نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ ترکیب خطی سه متغیر نمره کارآموزی، نمره آزمون جامع علوم پایه و نمره پره انترنی تفاوت معنی داری وجود دارد (۰/۱۹۵ = پی‌لای تریس، $p < ۰/۰۱$ ، $F(۳, ۶۶) = ۵/۳۲$). نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که بین نمره کارآموزی و جنسیت رابطه معنی داری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). بطوری که نمرات میانگین زنان در نمرات کارآموزی بیشتر از مردان است، پس نتیجه می‌گیریم که زنان موفقیت بیشتری در نمرات کارآموزی از مردان دارند و بین نمرات علوم پایه و پره انترنی با متغیر جنسیت رابطه معنی داری مشاهده نشد ($P > ۰/۰۵$).

طبق نتایج بدست آمده، جنسیت و سبک یادگیری به طور همزمان تاثیری بر موفقیت تحصیلی ندارند ($p > ۰/۰۵$).

بحث

نتایج پژوهش حاکی از این است که سبک یادگیری غالب دانشجویان علوم پزشکی در مقطع بالینی، سبک یادگیری همگرا بوده است و بیشتر دانشجویان از این سبک برخوردار هستند. این یافته همسو با پژوهش های فرمانبر و همکاران (Farmanbar R, 2013) است.

بنابراین با توجه به این یافته، لازم است اساتید دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی فراهم کننده محیط یادگیری متناسب با این سبک یادگیری از جمله فعالیت های آزمایشگاهی و شبیه سازی و واداشتن دانشجو به تفکر بیشتر باشند تا یادگیری دانشجویان تسهیل شود.

نتایج مربوط به وضعیت معدل دانشجویان نشان داد که نمرات کارآموزی و آزمون جامع از وضعیت مطلوبی برخوردارند و این نشان از موفقیت دانشجویان در این دو آزمون دارد ولی نمرات پره انترنی از وضعیت متوسطی برخوردار است، لذا پیشنهاد می شود اساتید در تدریس و ارزشیابی خود به ویژه در آزمون پره انترنی به ویژگی های شخصیتی دانشجویان و سبک های یادگیری توجه داشته و ارزیابی خود را مبتنی بر تفاوت های فردی و انطباق با سبک های یادگیری انجام دهند تا بتوان به کیفیت و بهبود نمرات دانشجویان کمک کرد.

همچنین نتایج مربوط به فرضیه پژوهش نشان داد بین هیچکدام از سبک های یادگیری و همچنین شیوه های یادگیری با نمرات معدل در سه نمره کارآموزی، نمره آزمون جامع علوم پایه و نمره پره انترنی پزشکی رابطه معنی داری وجود نداشت، این پژوهش همسو با پژوهش معیاری و همکاران (Meeyari A, 2009) است که در پژوهششان بر روی دانشجویان علوم پزشکی رابطه معنی داری بین سبک یادگیری با موفقیت تحصیلی دانشجویان مشاهده نشد. همچنین این یافته با نتایج پژوهش فرمانبر و همکاران (Farmanbar R, 2013) که اجرای آزمون سبک یادگیری بر روی دانشجویان پرستاری و مامایی نشان داد که رابطه معنی داری بین سبک های یادگیری و موفقیت تحصیلی وجود ندارد و با یافته های پژوهش غفاری و همکاران (Ghaffari R, 2013) که حاکی از عدم رابطه بین سبک های یادگیری و موفقیت تحصیلی دانشجویان پزشکی بود، همسو است. در زمینه رابطه سبک های یادگیری و موفقیت تحصیلی نتایج پژوهش ها متفاوت بوده است. از جمله پژوهش غیائی (Gheyassi, 2014) نشان داد که بین سبک یادگیری دانشجویان رشته کشاورزی و منابع طبیعی با موفقیت تحصیلی آنان رابطه معنی داری وجود دارد، بنابراین این یافته در پژوهش حاضر با پژوهش غیائی (Gheyassi, 2014) ناهمسو است، از دلایل عدم همسویی این دو پژوهش می توان به تفاوت نمونه دو پژوهش اشاره کرد، چرا که محیط آموزشی و ماهیت رشته های کشاورزی با رشته های علوم پزشکی متفاوت است، لذا این رابطه در جامعه دانشجویان کشاورزی به صورت

معنی دار وجود دارد و در دانشجویان پزشکی چنین رابطه ای مشاهده نمی شود. همچنین ممکن است موفقیت تحصیلی دانشجویان به عوامل دیگری همچون انگیزش مرتبط باشد (HoseiniLorgani M, 2001). همچنین ممکن است برخی عوامل همچون در رابطه بین سبک های یادگیری و موفقیت تحصیلی نقش میانجی داشته باشند، که پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده بررسی عوامل مداخله گر و میانجی توجه شود.

بنابراین می توان گفت در رشته های علوم پزشکی موفقیت تحصیلی عاملی است که به سبک یادگیری دانشجویان وابسته نیست و می توان گفت عوامل دیگری در این زمینه دخیل است از جمله عوامل مربوط به محیط آموزشی دانشگاه علوم پزشکی، شیوه تدریس و ارزشیابی اساتید و سایر ویژگی های شخصیتی و تفاوت های فردی دانشجویان در این زمینه دخیل هستند.

همچنین یافته ها نشان داد که بین جنسیت دانشجویان با نمرات پیشرفت تحصیلی آنان ارتباط معنی دار وجود دارد به عبارتی میانگین نمرات موفقیت تحصیلی دانشجویان زن بیشتر از مرد بود. این یافته همسو با پژوهش رستگار خالد (Rastgarkhaled, 2010) است که نشان داد موفقیت تحصیلی دختران بالاتر از پسران است. از دلایل دستیابی به این یافته می توان به دغدغه و مشغله کمتر دختران اشاره کرد که این امر باعث می شود دختران تمرکز بیشتری نسبت به پسران بر درس خود داشته باشند و در زمینه تحصیلی موفقیت بیشتری کسب نمایند.

در این پژوهش با توجه به اینکه ارتباط معنی داری بین سبک یادگیری با متغیرهای مرتبط با موفقیت تحصیلی وجود نداشت. لذا پژوهشگران در صدد برآمدند اثر همزمان دو عامل سبک یادگیری با جنسیت را بر متغیرهای مرتبط با موفقیت تحصیلی بررسی نمایند. نتایج آزمون آنالیز واریانس دو طرفه نشان داد که تاثیر همزمان دو عامل سبک یادگیری و جنسیت دانشجویان بر موفقیت تحصیلی معنی دار نیست. این یافته نیز همسو با پژوهش های معیاری و همکاران (Meeyari A, 2009)، فرمانبر و همکاران (Farmanbar R, 2013)، غفاری و همکاران (Ghaffari R, 2013) است که نشان می دهد موفقیت تحصیلی رابطه ای با نوع سبک یادگیری ندارد و در این زمینه نقش جنسیت نیز خنثی است و با همراهی با سبک یادگیری هم نتوانسته اثری بر موفقیت تحصیلی داشته باشد. بنابراین ممکن است عواملی همچون محیط آموزشی، نحوه آموزش، ارزیابی اساتید و عوامل شخصیتی در موفقیت تحصیلی دانشجویان نقش داشته باشند.

در پژوهش حاضر تفاوتی از نظر نوع سبک یادگیری بین دانشجویان زن و مرد وجود نداشت، این یافته همسو با پژوهش سیف و حسینی لرگانی (HoseiniLorgani M, 2001) بود که نشان دهنده این است که عواملی به جز جنسیت همچون سایر

ویژگی های شخصیتی، محیط آموزشی، محیط خانوادگی و مواردی از این قبیل می توانند تعیین کننده سبک های یادگیری افراد باشند، که بررسی این عوامل نیاز به پژوهش های بیشتری دارد. این یافته با پژوهش فرج الهی و همکاران (Farajollahi M, 2013) که نشان دادند جنسیت بر سبک یادگیری دانشجویان علوم پزشکی تاثیر دارد، نا همسو است.

یکی از نکات مورد توجه در یافته ها، رابطه نوع سبک یادگیری و متغیرهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی است. علیرغم اینکه آزمون آماری آنالیز واریانس بین نوع سبک یادگیری و متغیرهای موفقیت تحصیلی رابطه معنی داری نشان نداد، ولی مشاهده شد که نمره های معدل کل، معدل دروس نظری و معدل دروس عملی در گروه دانشجویان واگرا اندکی بالاتر از دو گروه های همگرا و جذب کننده و انطباق یابنده بوده است. با توجه به ماهیت رشته های پزشکی و نوع دروس و تکالیف مورد انتظار از دانشجویان، این موضوع با نظریه یادگیری تجربی کلب همخوانی دارد که براساس آن افراد واگرا در دروس عملی و کاربرد نظریه ها در محیط عمل احتمالاً موفق تر خواهند بود؛ ولی از سوی دیگر میزان این تفاوت عملکرد چندان بارز نیست.

References:

۱. Saif D, Khayer M. Relationship between motivational beliefs and learning approaches among a group of students of medical and engineering universities of Shiraz. *Journal of Education and Psychology*. 2007;3(1 &2):57-82.
۲. van den Berg H. Changes in learning styles induced by practical training. *Learning and Individual Differences*. 2015;40:84-9.
۳. Light G, Cox R. *Learning And Teaching In Higher Education*. UK: Paul Chapman Publishing; 2002.
۴. Lee-Davies L, Bailey S. *Developing work and study skills: Cengage Learning EMEA*; 2007.
۵. Azizi F, Khanzade A, Hoseini M. A survey on leaning styles of medical students (Based on Kolb theory) in Qazvin. *Iranian Journal of Medical Education*. 2002;2:87-8.
۶. HoseiniLorgani M, Saif AA. Learning styles of students according to gender, educational levels and fields of study. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 20.۱۱۴-۱۹:۹۳;۰۱

۹۷. Farmanbar R, Hosseinzadeh T, Asadpoor M, Yeganeh M. Association between Nursing and Midwifery Students' Learning Styles and their Academic Achievements, Based on Kolb's Model Journal of Guilan University of Medical Sciences. 2013;86:60-8.
۹۸. Meeyari A, SaburiKashani A, Qarib M, Biglarkhani M. Comparing the first year and fifth year medical students' learning styles and its relationship with academic achievement. Strides in Development of Medical Education. 2009;6(2):110-8.
۹۹. Ghaffari R, Ranjbarzadeh FS, Azar EF, Hassanzadeh S, Safaei N, Golanbar P, et al. The Analysis of Learning Styles and Their Relationship to Academic Achievement in Medical Students of Basic Sciences Program. Res Dev. 2013;2(2):73-6.
۱۰۰. gheyassi A, Relationship between Learning Styles and Academic Achievement among Agricultural and Natural Resources Students of the University of Tehran, journal of agricultural education administration research 2014,6 , 31 36-29
۱۰۱. Rastgarkhaled, A., Gender differences in motivation and academic achievement. Women Strategic Studies, 2010. 13(50): p. 81-124.
۱۰۲. Farajollahi, M., et al., Relationship between learning styles and academic achievement of university students. Educ Strategy Med Sci, 2013. 6(2): p. 83-88.

Archive of SID